

اسناد تجاری

صراف شامل تمام اشخاص و بنگاههایی میباشد که در حکم صراف
مانند دلالهای مجاز و غیره

چکی که بعهده غیر صراف صادر میشود

نظر بشق ۴ از ماده ۳ قانون جدید چکی که در
کشور فرانسه صادر و وجه آن هم در داخله کشور باید تأدیه
شود هرگاه محال علیه آن بانک و یا اشخاص و بنگاههایی که
در حکم بانک میباشد نباشد چک قانونی محسوب نمیشود ولی
اگر نوشته نامبرده جماع شروط مقرره برای برات باشد
برات وگر نه تعهد نامۀ عادی میباشد * بموجب ماده ۶۴
صادر کننده چنین چک بجزای نقدی معادل شش صدم
مبلغ چک محکوم میشود ولی بهر حال جزای نقدی کمتر از یک
صد فرانک نخواهد بود *

چکی که بعهده خود امضاء کننده صادر میشود

ماده ۶ قانون جدید مقرر میدارد امضاء کننده چک
نمیتواند خودش را برای چکی که صادر کرده محل علیه معین
کند مگر در صورتیکه چک از شعبه يك بنگاه بعهده شعبه
دیگر آن صادر شود در اینصورت نیز لازم است اسم گیرنده وجه
معلوم باشد و شعبه تجارخانه نمیتواند بعهده مبدع دیگر آن چک
در وجه حامل صادر نماید .

چنانچه میدانیم نظر بکیفیات خاصه چک و ملاحظات
مخصوص حق نمبر نسبت خفیفی برای چک مقرر شده و اگر
بنا باشد که صادر کننده چک بتواند بعهده خود چک بدهد
در اینصورت چک بافته طلب چندان فرق نخواهد داشت
و ممکن است غالب اشخاص برای از بین بردن حق نمبر بطلب
هارا بصورت چک بنویسند

۲- چنانچه میدانیم ماهی چند مرتبه نماینده های
بانکهای انگلستان در شعبه تهار جمع شده محاسبات خود را با
همدیگر تصفیه میکنند در صورتی که چک فقط بعهده صراف
صادر شود و غیر از این صنف صنف دیگری بعنوان محال
علیه پذیرفته نگردد بانکها با کمال سهولت میتوانند محاسبات
چکی را نیز تصفیه نمایند و بالنتیجه نقل و تحویل وجوه
از محلی بمحل دیگر لزوم ندارد و در قسمت زیادی از جزئیات
دیگر نیز از اتلاف وقت جلوگیری میشود .

هر چند تا موقع تصویب قانون جدید قانوناً لزومی
نداشت محال علیه چک شغل صراف داشته باشد ولی عملاً
اصدار چک بعهده غیر صراف کمتر بوده و بنا بر این عادت
گرفتن مردم پرویه جدید و اجرای قانون اخیر چندان اشکالی
نخواهد داشت .

ماده ۵ قانون جدید میگوید : کلمه بانکیر (۱) و

(۱) بانکیر در اصطلاح حقوقی کسی است که شغل او
معاملات صرافی و خرید و فروش اسناد تجاری و دادن
قرض باریج میباشد * در قرون وسطی چون اخذ ربح
برای فرانسویها ممنوع بود فقط یهودی ها ولومباردها می
توانستند بشغل صرافی اشتغال ورزند و این امتیاز را به
قیمت های گران از سلاطین وقت می گرفتند و از حیث اینکه
رباخوار بودند مورد نفرت عمومی واقع و بالنتیجه چندین
مرتبه از کشور فرانسه اخراج شدند تا اینکه در سال ۱۷۸۹
قانون ربح را تجویز نمود و شغل صرافی کم کم در فرانسه
رایج گردید .

و اما قید دوم که اسم گیرنده وجه در چك باید ذکر شود و نباید چك در وجه حامل باشد ظاهراً فلسفه اش این است چون اغلب بنگاههای مهم تجاری فرانسه در تمام شهرهای آن کشور شعبه دارند اگر بنگاههای نامبرده بتوانند بعهده شعبات خود چك در وجه حامل صادر نمایند در مواقع بحرانهای مالی و خصوصاً بحران سیاسی ممکن است اهالی طالب بلیطهای بانک فرانسه نباشند و بخرید چكهای بنگاههای تجاری بیشتر میل داشته باشند و از این راه باعتبار بانک فرانسه سکنه وارد شود برای جلوگیری از این امر قانون چك هائی را که از شعبه تجارتخانه بعهده شعبه دیگر آن صادر میشود این طور محدود قرار داده است. قانون ۱۸۶۵ چك را چنین تعریف میکند: چك نوشته ایست که صادرکننده بوسیله آن تمام یا بعضی از وجوهی را که نزد محال علیه دارد مسترد یا بدیگری واگذار میکند.

قانون جدید فرانسه چك را تعریف نموده ولی آنچه که از ماده ۳ و مواد دیگر قانون مستفاد می شود این است که:

- ۱- محال علیه چك باید صراف باشد.
 - ۲- وجه چك باید قابل مطالبه باشد.
 - ۳- صادرکننده بموجب قرارداد صریح یا ضمنی حق اصدار چك بعهده محال علیه داشته باشد.
- تعریفی که قانون تجارت ایران برای چك نموده با آنچه که از قانون جدید فرانسه مستفاد میشود ظاهراً از سه حیث فرق دارد اول اینکه بموجب قانون فرانسه محال علیه باید صراف باشد ولی قانون ایران از اصدار چك بعهده غیر صراف منع نموده است دوم اینکه وجه قابل مطالبه باشد هر چند قانون تجارت ایران بلزوم قابل مطالبه نمودن وجه تصریح نکرده ولی از مجموع مواد مربوطه و خصوصاً از ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی معلوم می شود که منظور از محل و اعتبار قابل مطالبه بودن وجه در تاریخ اصدار چك میباشد سوم لزوم قرار داد صریح یا غیر صریح که بموجب آن دارنده وجه حق مطالبه آنرا بوسیله چك از

محال علیه داشته باشد این قید در قانون تجارت ایران مورد توجه واقع نشده هر چند قانون سابق فرانسه نیز تصریح باین امر ننموده ولی با مطالعه مذاکرات پارلمانی در ۱۸۶۵ معلوم میشود که در همان تاریخ در مجلس ملی فرانسه موضوع نامبرده مورد نظر واقع گردیده و در نشست ۵ مه ۱۸۶۵ کمیسیون دولت (۱) ضمن نطق خود در پارلمان می گوید: « ممکن است صادرکننده چك نزد محال علیه وجه قابل مطالبه داشته باشد ولی فرق است بین وجه قابل مطالبه بطور مطلق و وجه قابل مطالبه که تنها برای تأدیه وجه چك تخصیص یافته است. »

همین نظر است که قانون جدید فرانسه عملی شده و بصورت قانون درآمده است.

داشتن محل

صادرکننده چك با اصدار آن در واقع بمحال علیه مأموریت میدهد که وجه موجود بر او بدارنده چك بپردازد و بنابراین مکلف است قبلاً وجه چك را بمحال علیه برساند تا او نیز بتواند مأموریت خود را انجام دهد.

هر گاه چك با دستور کسی دیگر صدور یافته باشد دستور دهنده مسئول ابطال وجه به محال علیه خواهد بود هر گاه در تاریخ صدور چك نزد محال علیه وجه داشته باشد ولی قابل مطالبه نباشد چك بی محل محسوب خواهد شد مثل اینکه فروشنده بابت قیمت مبیعی که نسبه فروخته شده و موعد پرداخت وجه آن هم هنوز نرسیده بعهده خریدار چك صادر نماید و هم چنین اعتبار هم اعتبار قابل استفاده در تاریخ اصدار چك باید باشد و در غیر این صورت صادرکننده طبق ماده ۲۳۸ مکرر مجازات میشود.

ولی هر گاه صادرکننده قبلاً جنسی بعنوان رهن بمحال علیه تسلیم کرده و بعد باعتبار همان رهن چكي صادر کند محال علیه مکلف است وجه آنرا بپردازد مشروط بر اینکه مال مرهون را قبض نموده باشد.

(۱) کمیسیون دولت مأموری است که وظیفه اش دفاع از لوایح دولت در پارلمان بوده است.